

کنکور در موعد مقرر قبلی برگزار می‌شود

## دریبل رونالدینیویی داوطلبان!

صفحه ۴

چهارشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۹۹ | ۳۲ ذیحجه ۱۴۴۱ | ۱۲ آگوست ۲۰۲۰ | سال دوازدهم | شماره ۸۱۹۹۷ | صفحه ۸۱-ايران

#### تیتربهای امروز

رئیس‌جمهور روسیه

از دستیابی این کشور به واکسن کرونا خبر داد

## رونمایی واکسن پوتین

■ پوتین مدعی شد این واکسن روی دخترش آزمایش شده است

صفحه ۴-

بررسی تحولات لبنان پس از استعفاي حسان دياب در گفت‌وگو با کارشناسان

## سناریوهای پیش‌روی لبنان

صفحه ۷-

تیراندازی در اطراف کاخ سفید، نشست رئیس‌جمهور آمریکا با خبرنگاران را به هم ریخت

### شلیک

## زیرگوش ترامپ

صفحه ۷-

سختگوي قوه‌قضائيه از صدور حکم برای جاسوسان اروپا و رژیم صهیونیستی خبر داد

### دستورکار

## جاسوس انگلیسی

صفحه ۲-

گزارش میدانی خبرنگار «وطن امروز» از مؤسسه‌ای که مأمور زنان معناد شده است

### شوش ته‌خط!

صفحه ۴-

#### نگاه

### از تابستان داغ تا خزان بی‌پایان آمریکا

**نوید مؤمن:** حضرت اینه‌الله‌الطیمی خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی در سخنان حکیمانه‌شان به مناسبت عید سعید قربان، به توطئه‌های آمریکا درباره ایجاد تابستان داغ در ایران اشاره فرمودند و تأکید کردند: «آمریکایی‌های خولستند تابستانی داغ برای ما رقم بزنند، البته این تابستان داغ برای خود آنها ایجاد شده است. آمریکایی‌ها می‌خواهند دولت ما را ورشکسته و به طور کل اقتصاد ایران را متلاشی کنند. آنها تلاش می‌کنند ذیل تحریم‌ها رابطه ایران با کشورهای منطقه را قطع کنند. البته باید بگوییم شتر در خواب بیند پنبه‌دانه».

۱۸ اردیبهشت ۹۷، زمانی که ترامپ رسماً از توافق هسته‌ای با کشورمان خارج شد، مثلث «پنتو- جان بولتون- جولیان» که حامیان اصلی منافقین کوردل و دیگر گروه‌های ضدانقلاب و برانداز در کشورمان بودند، به آنها وعده دادند ژانویه سال ۲۰۱۸ (دی‌ماه ۹۷) یک ماه قبل از فرارسیدن چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی دیگر وجود نخواهد داشت! جمله مشهور «جان بولتون» مشاور امنیت ملی سابق آمریکا در پیامی که به نشست گروهک تروریست منافقین در پاریس مخبره کرد، هنوز در آذهن باقی است: «ایرانی‌ها نمی‌توانند چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب خود انقلاب اسلامی آ را جشن بگیرند، ما بزودی در تهران خواهیم بود».

اکنون در سال ۲۰۲۰ میلادی به سر می‌بریم و انقلاب اسلامی ایران در سایه هدایت‌ها و تدابیر رهبر حکیم انقلاب و آگاهی مردم در مواجهه با توطئه دشمنان، در حال عبور از یک پیچ تاریخی و سخت است. با این حال در آن سوی اتلانیتیک در خیابان‌های آمریکا، اتفاقات دیگری در حال رخ دادن است! «جورج فلوید» توسط پلیس نژادپرست آمریکا در شهر مینیاپولیس، به کبریتی در یک انبار باروت تبدیل شد! انبار باروتی که افرادی مانند «رکس تیلرسون» وزیر سابق خارجه دولت ترامپ نیز درباره شعله‌ور شدن آن از قبل هشدار داده بودند. «جورج فلوید» و «مینیاپولیس» به اسم رمز «خشم» و «اعتراض» مردم آمریکا در قبال ساختار سیاسی، امنیتی و اجتماعی این کشور تبدیل شد. ترامپ و هم‌راهانش که انتظار داشتند پشت مانیپورهای خود در کاخ سفید نشسته و مشغول تماشای ناآرامی‌های جدید در خیابان‌های ایران باشند، مجبور شدند برای جمع کردن بقایای خردشده مجسمه‌های «کریستف کلمب» در خیابان‌های مختلف این کشور جلسه اضطراری برگزار کنند! نیمی از پیش‌بینی مقامات آمریکایی درست بوده، «تابستان داغ» رخ داد اما نه در ایران!

ادامه در صفحه ۶

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

# وطن امروز

۱۸۱۸ سال و ۲۸ روز گذشت |



چگونه استقلال موفق شد طی ۲ بازی براجتی از سد سپاهان پر مهره بگذرد؟

## تولّد دوباره

صفحه ۶

VATAN-E-EMROOZ | VOL.12 | NO.2997 | WED.AUG.12, 2020 | ISSN:2008-2886



معاون پیشین‌سازمان خصوصی‌سازی

در گفت‌وگو با «وطن امروز» درباره واگذاری هفت تبه:

### هیأت واگذاری باید پاسخگو باشد

صفحه ۳

### سید مقاومت چگونه بازی دشمنان را برهم زد؟

را در یک وضعیت «غیر قابل پیش‌بینی» قرار می‌دهد. در جریان جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ میلادی نیز حزب‌الله بازی رژیم اشغالگر قدس و متحدان آن را که قرار بود مدتی دیگر آغاز شود، با «اقدامی پیشدستانه» عیان کرد. در چنین شرایطی رقیب از یک سو ناچار است بازی خود را آغاز کند و از سوی دیگر، آمادگی لازم را برای هدایت این بازی ندارد. دبیرکل مقاومت اسلامی لبنان پس از «اشکارسازی بازی رقیب»، اجزای این بازی را به صورت مصداقی برای افکار عمومی لبنان و جهان تشریح می‌کند و سپس، در مواجهه با هر جزء این بازی، طرح و اقدامی در پیش می‌گیرد. این همان رمز پیروزی و موفقیت حزب‌الله در مواجهه با دشمنان ملت لبنان است. همگان به یاد دارند سال ۲۰۰۷ میلادی، حزب‌الله و دیگر اضلاع جریان ۸ مارس چگونه شورش مزدوران سمیسر جعجع و سعدالدین حریری را در عرض کمتر از یک روز مهار کردند. حزب‌الله خوبی آموخته است چگونه «تاکتیک متناسب» با هر گونه نقشه دشمن را در

البته با طرف‌های مقابل هم اتمام حجت کرد: «کمک» به جای «محوریت»!

فراز از آن، دبیرکل حزب‌الله، معیار سنجش هر گونه نیت و کمکی به لبنان را «ایجاد ثبات» در این کشور دانست. به عبارت بهتر، سیدحسن نصرالله «ثبات لبنان» را خط قرمزى دانست که هیچ‌کس نباید از آن عبور کند. قهرمان جهان عرب بخوبی دریافته است «ثبات لبنان» دقیقاً آن چیزی است که مکررون و ترامپ نمی‌خواهند. یعنی دقیقاً در همین نقطه پیمای که باید را به دشمنان لبنان مخابره کرد، او از یک سو مقابل هیجانی شدن صحنه بازی طراحی شده از سوی غرب در بیروت ایستاد و این نقشه را خشتی کرد و از سوی دیگر، در یک سخنرانی منطقی و هوشمندانه، حدود و نفور دخالته دیگران در صحنه بازسازی این کشور را تشریح کرد.

صورت مسأله پیچیده اما زیباست! دبیرکل حزب‌الله لبنان در مواجهه با هر گونه بحرانی در این کشور، نخست «بازی رقیب» را از «خفا» به «آشکار» می‌آورد و دشمن

همان اعتماد به نفس همیشگی، ایمان و صلابتی که از اجداد طاهرین خود به ارث برده، مشغول «صد هوشمندانه» اوضاع داخلی کشورش است. امانوئل مکررون، رئیس‌جمهور کم‌عقل و پرادعای فرانسه در سفر به بیروت، وظیفه داشت «تحریک هیجانی مقاومت» را در دستور کار قرار دهد. مکررون میان خرابه‌های بندر بیروت آمد و در تئاتری که از ماه‌ها قبل دیالوگ‌های آن را به همراه ترامپ و نتانیاهو مرور کرده بود، اعلام کرد «بازچینش معادلات سیاسی لبنان» را بر عهده خواهد گرفت! قطعه بعدی پازل که باید چیده می‌شدد، «واکنش هیجانی حزب‌الله» و ایجاد جنگ داخلی در بیروت میان طرفداران و مخالفان مقاومت بود. با این حال مکررون هر اندازه صبر کرد، خبری از این «قطعه سرنوشت‌ساز» نشد! سیدحسن نصرالله در سخنرانی خود اعلام کرد به «کمک» کشورها در بازسازی لبنان و گلفی که آنها در راستای «ثبات» این کشور برمی‌دارند، به دید مثبت می‌نگرد! سید مقاومت

**محمدحسین مهدوی‌زادگان:**

حضور طرفداران گروه ۱۴ مارس در خیابان‌های بیروت و تصرف اماکن دولتی با هدف ایجاد آشوب مستمر و دائمی در لبنان، منجر به بروز بحران در این کشور شده است. مربع «واشنگتن-تل‌آویو-پاریس-ریاض» بار دیگر هدایت اغتشاشات داخلی در لبنان را در دست گرفته و سوادى وقیحانه و همیشگی «خلع سلاح مقاومت» و تبدیل کردن لبنان به حیاط خلوت رژیم صهیونیستی را در سر دارند. این بار نیز «سمیر جعجع» و «سعدالدین حریری» که به ترتیب ۲ مهره اصلی موساد و سازمان اطلاعات خارجی فرانسه (DGSE) محسوب می‌شوند، هدایت داخلی و میدانی اغتشاشات را در دست گرفته‌اند و در لابه‌لای بندر متلاشی شده بیروت به دنبال «تصاحب کامل قدرت» هستند.

اما در آن سوی میدان و فارغ از هیاهو و بلوایی که در سرزمین سرورها رخ داده است، «سید مقاومت» با

#### یادداشت

**محمدحسین مهدوی‌زادگان:** حضور طرفداران گروه ۱۴ مارس در خیابان‌های بیروت و تصرف اماکن دولتی با هدف ایجاد آشوب مستمر و دائمی در لبنان، منجر به بروز بحران در این کشور شده است. مربع «واشنگتن-تل‌آویو-پاریس-ریاض» بار دیگر هدایت اغتشاشات داخلی در لبنان را در دست گرفته و سوادى وقیحانه و همیشگی «خلع سلاح مقاومت» و تبدیل کردن لبنان به حیاط خلوت رژیم صهیونیستی را در سر دارند. این بار نیز «سمیر جعجع» و «سعدالدین حریری» که به ترتیب ۲ مهره اصلی موساد و سازمان اطلاعات خارجی فرانسه (DGSE) محسوب می‌شوند، هدایت داخلی و میدانی اغتشاشات را در دست گرفته‌اند و در لابه‌لای بندر متلاشی شده بیروت به دنبال «تصاحب کامل قدرت» هستند.

اما در آن سوی میدان و فارغ از هیاهو و بلوایی که در سرزمین سرورها رخ داده است، «سید مقاومت» با

#### تاریخ

**دکتر سیدمحسن موسوی‌زاده:**

«بعد از کشف اجساد، سازمان اعلام می‌کند خسرو زندی اصلاً هوادار ما نیست، در حالی که من در اینجا به عنوان فردی که مستقیماً در این عمل شرکت داشتم و از عوامل این جریان بودم و به عنوان فرمانده اول نظامی منافقین در تهران می‌گویم خسرو زندی یکی از اعضای عملیاتی بخش ما بود و در این جریان شرکت داشت و اگر سازمان‌تا به حال خسرو زندی را انکار می‌کرده، مراد دیگر نمی‌تواند انکار و تکذیب کند.» آقای رجوی، مسؤول شورای ملی مقاومت و آقای

زرکش، قائم‌مقام و مسؤول اول و فرمانده اول سیاسی نظامی در جریان شکنجه‌ها قرار داشتند.» (مهران صدقی از عوامل شکنجه‌پاسداران در عملیات مهندسی) گروهک تروریستی منافقین از زمان ورود به فاز مسلحانه خود را دست بالاتر از نظام می‌دانست. همین مسأله سبب شد آنها با ارائه تحلیل‌هایی مانند اینکه جمهوری اسلامی فاقد پایگاه طبقاتی بوده و بیشتر به طیف‌های مختلف وابسته است، نابودی نظام را امر راحتی تلقی کنند. گروهک منافقین در تحلیل‌های خود عنوان می‌کرد جمهوری اسلامی را می‌توان با یک تکانه که شامل تظاهرات مسلحانه یا ترور و کودتا باشد، نابود کرد. گروهک منافقین متأثر از به قدرت رسیدن لنین در شوروی، مردم را پیرو طرف پیروز می‌دانست و می‌گفت بعد از پیروزی مردم حکومت ما را قبول خواهند کرد. با این حال برخلاف این تحلیل، اقدامات تروریستی این گروهک در به شهادت رساندن شهیدان بهشتی، باهنر و رجایی و همچنین تظاهرات ۵ مهر ۱۳۶۰ نتوانست سبب نابودی جمهوری اسلامی شود. اتفاقاً خلاف تحلیل منافقین هر چه از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ می‌گذشت، حلقه محاصره منافقین تنگ‌تر می‌شد. با این حال غرور سازمان و تحلیل جامعه ایران بر اساس اندیشه‌های التقاطی مانع از این شد آنها پی به چرایی شکست‌های خود ببرند.

همین مسأله موجب شد مرکزیت گروهک تروریستی منافقین ۱۹ بهمن ۱۳۶۰ دچار ضربه شده و افرادی

مروری بر کارنامه سیاه حقوق بشری گروهک تروریست منافقین

### ذبح انسانیت در عملیات مهندسی

اطلاعات در این بحث از حکومت عقب افتادیم. بر اساس این تحلیل حکومت‌ناوسته بود. بخشی از دستگیرشدگان را جذب کرده و پی به روش آنها برده. منافقین مدعی بودند حکومت در کسب اطلاعات از عناصر ساواک هم استفاده کرده است (این مسأله بارها توسط مسؤولان تکذیب شد). منافقین معتقد بودند «هر جا ما بحث اطلاعات را جدی‌تر گرفتیم، مانند انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی موفق‌تر عمل کردیم.» در راستای چنین تحلیلی گروهک منافقین توجه بیشتر به بحث اطلاعات را در دستور کار قرار می‌دهد. این عملیات توسط منافقین «عملیات مهندسی» نام گرفت. در جریان این عملیات قرار بود عناصر اطلاعاتی که مسؤول برخورد با منافقین هستند، روده و تخلیه اطلاعاتی شوند. تحلیل درباره «عملیات مهندسی» این بود که کار مهندسی پیچیده‌تر از کار عملیاتی است و احتمال بریدن هست: «ما شکنجه می‌کنیم، چون مجبور هستیم ولی وقتی حاکم شویم، نمی‌کنیم... جنگ ما با رژیم، جنگ ۲ سازمان مهندسی است. هر کدام بیشتر شکنجه کند، برنده است.»

تلاش برای بی بردن به روش‌های اطلاعاتی نظام سبب می‌شود منافقین شوند بی‌سیم نیروهای نظامی و کمیته را در دستور کار قرار دهند. منافقین در شوندهای خود متوجه عبارت عبدالله پیام می‌شوند و تصور می‌کنند شبکه‌ای تحت این نام مسؤول شناسایی و برخورد با آنهاست. آنها برای بی بردن به این شبکه ۲ نفر از پاسداران افتخاری کمیته انقلاب اسلامی به نام‌های «طالب طاهری» ۱۶ ساله و «محسن میرجلیلی» ۲۵ ساله را با جعل عنوان کمیته‌ای رپوده و به خانه تیمی منتقل می‌کنند. ۲ پاسدار دستگیر شده در مقر مذکور با دیدن عکس موسی خیابانی بر دیوار متوجه می‌شوند روده شده‌اند و توسط منافقین تحت بازجویی قرار دارند

شکنجه‌گران گمان می‌کردند طالب طاهری و محسن میرجلیلی از اعضای گروه ۲۰ نفره آقا عبدالله هستند، از این رو پس از انتقال ۲ پاسدار به شکنجه‌گاه، شکنجه از آنها را به سرعت آغاز می‌کنند. صدقی که جزو شکنجه‌گران بوده در این باره گفته است: «طالب را داخل اتاق و محسن را داخل حمام بردیم و به منظور آگاهی از فعالیت ۲ پاسدار دستگیر شده با کابل به جان آنها افتادیم، آنها ابتدا مقاومت می‌کردند و وقتی شدت شکنجه افزایش یافت و با هویه بخشی از بدن آنها را سوزانیدیم، آنها اسامی خود را بیان کردند و وقتی با مدارک همراه آنها کنترل کردیم و مطمئن شدیم درست می‌گویند و مأموریت آنها به منظور مقابله با فعالیت‌های منافقین نبوده است، سریعاً به مسؤولان مافوق خود گزارش دادیم.»

با وجود معلوم شدن عدم ارتباط این ۲ پاسدار با ضربه زعفرانیه اما پاسدار بودن گلهای بود که گروهک منافقین نمی‌توانست از آن چشم‌پوشی کند، لذا انتقام‌گیری جای روی پاهای آنها بود ترک می‌خورد و خون جاری می‌شد. به همراه مصطفی [معدن پیشه] و شهرام [اروشن تبار] او محمدرضا، کلر شکنجه را شروع کردیم. ابتدا آنها را روی صندلی بستیم و سپس صندلی را خوابانیدیم. من با کابل می‌زدم و مصطفی معدن پیشه دهان‌شان را با پارچه گرفته بود تا صدا بیرون نرود و وقتی مصطفی می‌زد، من دهان‌شان را می‌گرفتم. آنها مرتب مطالب را تکذیب می‌کردند و هنگامی که خیلی از فشار ضربات دردشان می‌آمدالله‌اکبر می‌گفتند. بر اثر زدن با کابل تاول‌هایی که روی پاهای آنها بود ترک می‌خورد و خون جاری می‌شد. به مصطفی گفتم پاهای‌شان را باندپیچی کند تا بتوانیم مجدداً آنها را بزیم. بر اثر ترکیب تاول‌ها خون کف حمام راه افتاده بود و وقتی شکنجه محسن تمام می‌شد، او را بیرون می‌آوردیم و طالب را داخل حمام می‌بردیم.»

مسعود قربانی، مسؤول بازجویی از طالب طاهری و محسن میرجلیلی نیز درباره عملیات مهندسی گفته است: «بریشمچی اطلاعات می‌خواست و این ۲ نفر حتی یک کلمه به ما نگفتند. جواد گفت باید کباب‌شان کنیم. مصطفی رفت و پیک‌نیک و سیخ کباب آورد. جواد سیخ را روی پیک‌نیک داغ کرد تا سرخ شد و به ران طالب چسباند. یک بار هم سیخ سرخ شده را روی پهلوی طالب گذاشت. تمام حمام پر از دود و بوی سوختگی شده بود. با انبر، ناخن محسن میرجلیلی را هم کشیدیم. از حال رفت، وقتی به هوش آمد دیگر ناامید شده بودیم. به دستور مستقیم ابریشمچی به آنها سیانور تزریق کردیم و هنوز در حال جان دادن بودند که هر ۲ نفر را در پتو پیچیدیم و داخل صندوق عقب ماشین گذاشتیم. هنوز نفس می‌کشیدند که در بیابان‌های باغ فیض در اطراف تهران دفن‌شان کردیم. یعنی هنوز زنده بودند که روی‌شان خاک ریختیم. درباره شاهرخ طهماسبی هم که پاسدار بود و ۲۸ سال داشت

بررسی عملیات مهندسی توسط گروهک تروریستی منافقین علاوه بر آشکار کردن ماهیت این سازمان تروریستی، نشان می‌دهد منافقین باز هم در انجام چنین عملیاتی دچار اشتباه محاسباتی شده بودند و به جای اینکه بعد از ضربه خوردن‌های متعدد متوجه جایگاه متزلزل خود در بین مردم شوند، به این نتیجه رسیده بودند کل ضربات خود را به کسب اطلاعات داد. صدقی جری می‌شد. به همراه مصطفی [معدن پیشه] و شهرام [اروشن تبار] او محمدرضا، کلر شکنجه را شروع کردیم. ابتدا آنها را روی صندلی بستیم و سپس صندلی را خوابانیدیم. من با کابل می‌زدم و مصطفی معدن پیشه دهان‌شان را با پارچه گرفته بود تا صدا بیرون نرود و وقتی مصطفی می‌زد، من دهان‌شان را می‌گرفتم. آنها مرتب مطالب را تکذیب می‌کردند و هنگامی که خیلی از فشار ضربات دردشان می‌آمدالله‌اکبر می‌گفتند. بر اثر زدن با کابل تاول‌هایی که روی پاهای آنها بود ترک می‌خورد و خون جاری می‌شد. به مصطفی گفتم پاهای‌شان را باندپیچی کند تا بتوانیم مجدداً آنها را بزیم. بر اثر ترکیب تاول‌ها خون کف حمام راه افتاده بود و وقتی شکنجه محسن تمام می‌شد، او را بیرون می‌آوردیم و طالب را داخل حمام می‌بردیم.»

■ پژوهشگر بنیاد هایلیبان